

## چند قدم پس از آشنایی

مدت طولانی از زمانی نمی‌گذرد که انتخاب همسر فرزندان و ازدواج به دست والدین بود و با نظارت آنان انجام می‌شد. مادر و پدر، خواهر و برادر، دایی و عمو، خاله و عمه و حتی همسایه‌ها آستین بالا می‌زدند...



مدت طولانی از زمانی نمی‌گذرد که انتخاب همسر فرزندان و ازدواج به دست والدین بود و با نظارت آنان انجام می‌شد. مادر و پدر، خواهر و برادر، دایی و عمو، خاله و عمه و حتی همسایه‌ها آستین بالا می‌زدند و برای دختر و پسر که به اصطلاح دم بخت بودند و قصد ازدواج و تشکیل خانواده داشتند، کسانی را برای ازدواج معرفی می‌کردند و معمولا پس از یک تماس تلفنی و پرسش چند سوال کلیدی و دادن اطلاعات اولیه راجع به سن، تحصیلات، طبقه فرهنگی، عقاید و... دختر و پسر، قرار جلسه اول خواستگاری گذاشته می‌شد.

طی این جلسه، دختر و پسر برای اولین بار یکدیگر را می‌دیدند و پس از گفت‌وگو و مشورت با والدین، تصمیم به ادامه یا خاتمه رابطه می‌گرفتند؛ معمولا دختر و پسر برای انجام توافقات اولیه یا صحبت در مورد مسائل مهم زندگی، صدا البته تحت نظارت والدینشان و با ضوابط خاصی یکدیگر را ملاقات می‌کردند، اما چند صباحی است در جامعه کنونی ما این رسم خواستگاری از مد افتاده است و بسیاری از جوانان ترجیح می‌دهند پیش از مراسم خواستگاری، چند جلسه‌ای با فرد مورد نظرشان معاشرت کنند و در صورت توافق همه‌جانبه به خواستگاری بروند یا خواستگار را به خانه راه دهند.

عده‌ای دیگر نیز خود آستین بالا می‌زنند و در محیط کار، تحصیل، محافل عمومی، مهمانی‌ها یا حتی شبکه‌های مجازی و اجتماعی به دنبال نیمه گمشده‌شان می‌گردند و... خیلی از جوانان نسل امروز، این نوع آشنایی‌ها را ملاکی برای انتخاب همسر ایده‌آل، شناخت بیشتر و آشنایی با روحیات و خلیات و رفتار و منش فرد مقابلشان می‌پندارند، اما سوال اصلی اینجاست که آشنایی قبل از ازدواج تا چه حد می‌تواند تضمین‌کننده یک انتخاب شایسته و متعاقب آن یک زندگی مشترک موفق باشد؟ اصول آشنایی‌های پیش از ازدواج چیست؟ حد و مرزهای آن چیست و چگونه باید رعایت شود؟ والدین دختر و پسر در کجای ماجرای انتخاب همسر فرزندان قرار دارند و نقش آنها تا چه حد پررنگ است؟ آیا لازم است والدین از همان مراحل اولیه آشنایی در جریان رابطه آنها باشند یا لزومی به اطلاع آنها نیست؟ و...

### آشنایی‌های بی‌ضابطه و احساسی

اگر دختر و پسر در محیط کار، دانشگاه، جمع دوستانه و... با یکدیگر آشنا شوند، سپس خود به تنهایی، بدون مشورت و اطلاع خانواده‌هایشان، ریش و قیچی به دست بگیرند و برای شناخت و آشنایی هر چه بیشتر از یکدیگر به منظور ازدواج قدم بردارند، عاقبت چه می‌شود؟!

روان‌شناسان و مشاوران ازدواج معتقدند، آشنایی دختر و پسر آن هم بدون اطلاع والدین یا بدون برگزاری مراسم خواستگاری، نه تنها پسندیده و صحیح نیست بلکه در اغلب موارد، مفید و موفق نبوده و عاقبتی جز شکست عاطفی نخواهد داشت. آشنایی‌های بی‌ضابطه‌ای که معمولا بدون خواستگاری یا بدون اطلاع والدین طرفین یا یکی از آنها پیش می‌رود، معمولا رابطه‌ای سطحی، ظاهری، بدون تعهد و سرگرمی‌مآبانه‌ای است که هیچ گاه حتی از همان شروع آن، مساله‌ای جدی در آن مطرح نبوده و نخواهد بود. روابط حاکم در این نوع آشنایی‌ها معمولا بدون سمت و سوی منطقی و عاقلانه است و غالبا با رویاها، فانتزی‌ها و غلیان احساسات و هیجانات دختر و پسر شکل می‌گیرد و پیش می‌رود. در این مدل آشنایی‌ها، اگرچه رابطه برای دختر و پسر دلنشین، شیرین و رویایی است، اما خواستن‌ها و عشق و عاشقی‌ها مبتنی بر واقعیت خارجی نبوده و معمولا کاذب است؛ در این روابط، عشقی مجازی حکمفرماست که گاهی با اهدافی نامناسب و به منظور کامروایی از جانب دختر و پسر نیز توأم می‌شود. مثلا، در رسانه‌ها و روزنامه‌ها کم نشنیده و ندیده‌ایم که در این نوع آشنایی‌ها، اغلب پسرها با دادن وعده ازدواج، دختران بسیاری را فریب داده‌اند و برای رسیدن به اهداف شوم خود آشنایی را طولانی‌تر کرده ولی فراتر از آن پیش نرفته‌اند و مدام با توسل به ترفندهایی از تعهد ازدواج طفره رفته‌اند، اما پس از کامروایی خویش، دست از دختر شسته‌اند و قید عشق و عاشقی را برای همیشه زده‌اند!

از سوی دیگر، آمار طلاق نیز چهره‌ای دیگر ولی متفاوت از عاقبت این نوع آشنایی‌ها را برایمان آشکار می‌کند، چه بسا بسیاری از ازدواج‌هایی که با این مدل آشنایی‌ها رقم خورده اما در نهایت با طلاق به شکست منتهی می‌شود.

### آشنایی‌های ضابطه‌مند و اصول‌مدار

اولین قدم برای آشنایی هدفمند و به قصد ازدواج، خواستگاری از دختر و خواستگاری رفتن برای پسر است. این نوع آشنایی‌های باضابطه و اصول‌مدار، زمینه شناخت اصولی، منطقی و متعهدانه را هم برای دختر و پسر و هم برای خانواده‌هایشان رقم می‌زند. پس از خواستگاری، دوران آشنایی دختر و پسر شروع می‌شود. این دوران، معمولا سه یا چهار جلسه بیشتر به طول نمی‌انجامد. طی این جلسات کاملا رسمی و چارچوب‌دار، دختر و پسر و خانواده‌هایشان، تا حدودی با

خانواده‌های یکدیگر و لایه‌های سطحی شخصیت همدیگر آشنایی پیدا کرده و از فیلترهای اولیه سنجش و انتخاب یکدیگر گذر می‌کنند. شناخت اولیه و سطحی حاصل این دوران، در واقع می‌تواند مقدمه و پیش‌زمینه شروع یک رابطه جدی‌تری به نام نامزدی باشد، اگر چه این نوع آشنایی به منظور ازدواج شروع می‌شود، اما هرگز به این معنا نیست که الزما به نامزدی یا وعده ازدواج ختم شود چه بسا بسیاری از آشنایی‌های جوان‌ها و خانواده‌هایشان بیش از چند جلسه فراتر نرفته و در مرحله‌ای از آشنایی، به دلایلی خاص از جانب یکی از طرفین یا هر دو طرف، برای همیشه متوقف می‌شود.

### نامزدی، مرحله‌ای مهم برای شناخت عمیق‌تر

زمانی که دختر و پسر جوان تحت نظارت خانواده‌هایشان و بر طبق اصولی معین، قدری با یکدیگر آشنا و در تصمیم به ازدواج شان مصمم شدند دوره نامزدی آنها شروع می‌شود. این دوران با وعده صریح و قطعی برای ازدواج شروع و با امضای قرارداد عقدنامه به پایان می‌رسد.

برخی از خانواده‌ها، شروع نامزدی فرزندشان را به اقوام و آشنایان اطلاع می‌دهند، اما برخی دیگر بنابر دلایلی ترجیح می‌دهند این دوران تا زمانی که مراسم رسمی عقد انجام نشده، علنی نشود و صرفاً فقط با اطلاع خانواده‌های دختر و پسر پیش برود. دوران نامزدی برهه‌ای حساس و در عین حال مهم برای زوج جوانی است که قصد ورود به زندگی مشترک را دارند، در این دوران، ارتباطات بیشتر شده و اندکی از حالت رسمی خارج می‌شود، زمینه شناسایی و شناخت بیشتر از خصوصیات یکدیگر فراهم می‌آید، دختر و پسر در مورد رابطه‌شان بیش از قبل احساس تعهد و مسئولیت می‌کنند، دوران حرف و کلام به پایان می‌رسد و زمان ورود به صحنه عمل فرا می‌رسد.

ورود افراد خانواده، فامیل و دوستان هر یک از همسران به رابطه، چهره‌ای متفاوت به آشنایی می‌دهد و وظایف هر یک از زوجین را نسبت به آنها آشکار می‌کند و... خلاصه کلام آن که در این دوران، دختر و پسر با نمونه‌ای کاملاً فرضی و پیش افتاده اما فراتر از خواب و خیال، از واقعیت زندگی مشترک و آینده خود با فرد مورد انتخابشان روبه‌رو شده و تا زمانی مقرر زندگی مشترک را لمس و تجربه می‌کنند. در دوران نامزدی است که می‌توان درستی و نادرستی تصورات و ذهنیات خود را از یکدیگر در واقعیت به تماشا نشست، آنها را محکی دوباره زد، اصلاحشان کرد و در نهایت در این دوران است که می‌شود از انتخاب فرد مورد نظرمان برای زندگی کسب اطمینان کرد و با یقین او را به عنوان همسفر و شریک ادامه مسیر زندگی پذیرفت یا نپذیرفت! دوران نامزدی نباید بسیار طولانی شود، وابستگی کاذب و غیرمنطقی، گاه باعث می‌شود که یکی از طرفین به خاطر غلیان عواطف مثبت زودگذر، چشم و گوش بر واقعیت‌های زندگی فرد مقابل ببندد و از هر آنچه که دیدنی و شنیدنی است با دیده اغماض و چشم پوشی بسیار گذر کند یا حتی گاه، طولانی شدن بسیار این دوران، باعث دلزدگی و یاس و پشیمانی یکی از طرفین از ادامه رابطه به طور جدی‌تر می‌شود.

بهترین فرصت مناسب برای این دوران، زمانی حدود چهار تا شش ماه است، در این زمان دختر و پسر جوان و خانواده‌هایشان می‌توانند بیش از پیش با هم آشنا شوند و همدیگر را مورد محک و ارزیابی قرار دهند؛ سپس در صورت تأیید و اعتماد و فقدان مشکلی خاص و جدی، می‌توان ادامه رابطه را با برگزاری مراسم عقد پیش برد، اما اگر در هر زمانی از این دوران، خانواده‌ها متوجه مطلبی مهم شدند و نتوانستند آن را حل و فصل کنند، بهتر است هرچه سریع‌تر پیش از آن که وابستگی عاطفی بین دختر و پسر عمیق‌تر شود، ختم دوران نامزدی را اعلام کنند.

ولی اگر نقاط مشترک بسیار بود و قرار بر ادامه رابطه شد، هفته آینده در باره مراقبت‌های دوران نامزدی و حساسیت‌های آن با شما سخن خواهیم گفت.

نسخه ۱، صفحه ۱ / مشاوره خانواده  
چاردیواری ضمیمه دوشنبه روزنامه جام جم